

جایگاه کارشناسی و ادله‌ی بیوژنتیکی در دادرسی‌های کیفری

*
عباس تدین

چکیده

امروزه، پیشرفت علوم و فنون در تمامی زمینه‌ها، موجب شده است دادرسی در کشف و اثبات جرایم ناگزیر به ارجاع امر به کارشناس شود. کارشناسی، از مهم‌ترین امارات قضایی است که در مقررات دادرسی کیفری ایران مورد توجه قرار گرفته است. رویه‌ی قضایی به ویژه آراء دیوان عالی کشور و دادگاه عالی انتظامی قضات مبین تمایل به استفاده از کارشناسی در اثبات جرم است.

در حقوق کیفری فرانسه، قانون تحقیقات جنایی مصوب 1810، به نقش کارشناسی توجه ننموده بود، اما به دنبال تحولات سیاسی - قضایی، قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه، به این موضوع توجه شایانی نموده است.

آنچه در گستره‌ی کارشناسی باید مورد توجه قرار گیرد، رعایت حقوق مظنون یا متهم، در روند کسب ادله‌ی بیوژنتیکی است. در حقوق ایران، قوانین خاصی در این زمینه وجود ندارد، اما در حقوق کیفری فرانسه، مقرراتی به منظور تضمین حقوق و آزادی‌های این افراد و نیز حفظ کرامت انسانی آن‌ها پیش‌بینی شده است که از آن جمله می‌توان به جلب رضایت متهم برای نمونه‌گیری اشاره کرد. به نظر می‌رسد اصلاح و تکمیل مقررات دادرسی کیفری ایران در راستای توجه به نحوه‌ی کسب ادله‌ی بیوژنتیکی و نیز مباحث مربوط به ارجاع امر به خبره، ضروری است.

واژگان کلیدی: دادرسی کیفری، کارشناسی، ادله‌ی بیوژنتیکی، کرامت

انسانی

* دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی؛ مدرس دانشگاه

۱. درآمد

امروزه پیشرفت علوم و فن‌آوری، آثار خود را در تمام زمینه‌ها، از جمله وسایل و ابزار کشف و اثبات جرایم آشکار ساخته است، به گونه‌ای که در عصری که آن را، عصر «ادله‌ی علمی» می‌نامند، حتی ادله‌ی سنتی مانند شهادت و اقرار، در مواردی با کمک ادله‌ی جدید سنجیده می‌شوند.

مهم‌ترین ویژگی دوره‌ی علمی، کم‌رنگ شدن مستندات غیرتجربی یا به عبارتی معنوی در نظام عدالت کیفری است. در دوران گذشته، به لحاظ عدم توسعه و پیشرفت علم از یک سو و اعتقاد همگان به جایگاه راسخ معنویات و امور باطنی از سوی دیگر، عمده ادله‌ی ابرازی برای اثبات جرایم در اقرار، شهادت و سرانجام علم دادرسی خلاصه می‌شد که به دلیل نبود ابزارها و امکانات لازم، حتی علم دادرسی نیز عمدتاً به دریافت‌های باطنی او بستگی داشت، اما با گذشت زمان و کنار گذاشته شدن امور غیرتجربی و تأکید بر اثبات‌پذیری تمام وقایع از طریق تجربه، اهمیت این نوع ادله به نحو قابل توجهی کاهش یافت؛ صاحب‌نظران نیز ضمن استقبال از این امر، آن را به عدالت نزدیک‌تر دانستند؛ زیرا، معایب و مشکلات مربوط به اخذ اقرار یا شهادت یا حتی احراز علم و حجیت واقعی توسط دادرسی، بر هیچ کس پوشیده نبود و همگان می‌خواستند با اتخاذ رویکردی عادلانه و بی‌طرفانه، واقعیت و حقیقت یک ادعا اثبات شود؛ این امر در خصوص ادعاهای مجرمانه به لحاظ تبعات سنگین آن از جایگاه مهمی برخوردار است. لذا، به تدریج گرایش به ادله‌ی علمی در عرصه‌ی عدالت کیفری افزایش یافت.

این ادله که طیف گسترده‌ای از اقدامات، آزمایشات و معاینات علمی و فنی را در برمی‌گیرد، بسیار متنوع و گوناگون‌اند؛ به نحوی که، ارائه‌ی فهرستی کامل و جامع از آن‌ها دشوار است. اقداماتی مانند تحقیقات و معاینات محلی، بررسی ادله‌ی مادی یا شواهد عینی، معاینات علمی و فنی، تفتیش و بازرسی محل، توقیف و ضبط اسناد و داده‌ها، رهگیری مکاتبات و ارتباطات، ضبط صدا و تصویر و بسیاری دیگر از اقدامات، پس از وقوع جرم به منظور کشف حقیقت و دستیابی به مجرم اصلی انجام می‌شوند؛ بسیاری از این کشفیات به عنوان «قرائن و امارات» قضایی در آیین دادرسی کیفری ایران و فرانسه مورد توجه قرار گرفته‌اند. در این نوشتار مهم‌ترین شیوه‌ی تحصیل دلیل،

یعنی کارشناسی و کاربرد آن در تحصیل ادله‌ی بیوژنتیکی که از طریق بررسی فنی و تخصصی کارشناسان امکان‌پذیر است را مورد مطالعه قرار می‌دهیم.

2. کارشناسی: معاینات علمی و فنی

تحول و پیشرفت علوم و فنون در تمام زمینه‌ها، موجب شده است در کشف بسیاری از جرایم و حتی اثبات آن‌ها، دادرس نتواند بدون رجوع به اشخاص خبره و کارشناس، در مقام اثبات جرایم برآید؛ به ناچار باید رأی خود را با نظر اشخاصی بنا نهد که به دلیل داشتن تخصص در علم یا فن خاصی و یا حتی داشتن تجربه و تبحر و مهارت، توانایی لازم را برای روشن کردن موضوع دارند.

مهم‌ترین مصداق امارات قضایی، کارشناسی است. در موارد بسیاری به دلیل عدم تسلط دادرس به موضوع و اطلاعات تخصصی، رجوع به اهل خبره یعنی اهل فن ضروری است؛ قانون از این افراد به کارشناس تعبیر نموده است. در کارشناسی از تخصص فرد یا افراد خبره، برای راه‌حل قضایی و کمک به قاضی استفاده می‌شود و به عبارت دیگر «اهل خبره در این مورد، قاضی را در شناخت حقیقت یاری خواهند نمود».

(Merle, vitu, 2001, p: 211)

مستند علم کارشناس از طریق بهره‌گیری مستقیم از حواس نمی‌باشد، بلکه وی از استنتاجات عقلی و سایر مدارک و شواهد به موضوع پی می‌برد. اعتبار و حجیت کارشناسی بر رعایت شرایط و ضوابط قانونی مبتنی است و همین ویژگی‌ها است که کارشناسی را از شهادت متمایز می‌سازد.¹

کارشناسی به عنوان اماره‌ای قضایی، با بررسی «علائم و نشانه‌هایی که دروغ نمی‌گویند»، به دادرس در ایجاد علم و یقین قضایی کمک می‌کند. به همین علت در عصر ادله‌ی علمی، کارشناسی را باید ملکه‌ی ادله‌ی کیفری خواند.

3. جایگاه کارشناسی در دادرسی کیفری ایران

بر اساس ماده‌ی 83 قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری مصوب 1378 «از اهل خبره هنگامی دعوت به عمل می‌آید که اظهار نظر آنان از

1- ر.ک.: دینانی، عبدالرسول؛ ادله اثبات دعوا در امور مدنی و کیفری؛ انتشارات تدریس؛ چاپ اول، 1385، ص

جهت علمی یا فنی و یا معلومات مخصوص لازم باشد». مفهوم مخالف این ماده، آن است که هرگاه دادرس اطلاعات تخصصی ویژه‌ای داشته باشد یا به عنوان مثال «در صورتی که بر مرجع قضایی محرز باشد که ارزش ملک، معادل وثیقه‌ی تعیین شده است، نیازی به جلب نظر کارشناس نیست». بنابراین، ارجاع به کارشناس هنگامی است که به لحاظ فنی یا تخصصی بودن موضوع، دادرس از تشخیص مصداق ناتوان باشد. به گونه‌ای که برای ایقان وجدان، نیازمند نظر کارشناس گردد. احراز وجود جنبه‌ی فنی و تخصصی موضوع با دادرس است؛ تشخیص مسائل موضوعی با او است و وی باید با لحاظ محدوده‌ی دانش قضایی خود، وجود یا عدم جنبه‌ی فنی و تخصصی امر را تشخیص دهد.

بررسی آراء دیوان عالی کشور² و دادگاه عالی انتظامی قضات³، مبین گرایش آن‌ها به ارجاع موضوعات به کارشناس است؛ پیشرفت دانش فنی و پیچیده شدن اموری که در گذشته ساده بوده، این امر را توجیه می‌نماید؛ اما در عین حال «در صورتی که نظر کارشناس با اوضاع و احوال محقق و معلوم مورد کارشناسی مطابقت نداشته باشد، باز پرس نظر کارشناس را به نحو مستدل رد کرده، موضوع را به کارشناس دیگر ارجاع می‌دهد»⁴.

کارشناس باید در مدت مقرر نسبت به ارائه‌ی نظر کارشناسی و انجام مأموریت خود اقدام کند و پس از اتمام عملیات کارشناسی، نتیجه و گزارش کار خود را به مرجعی که به او مأموریت داده است، تحویل دهد. اظهار نظر کارشناس باید صریح و

1- نظریه‌ی شماره‌ی 7/2060 مورخ 1368/5/30 اداره‌ی حقوقی قوه قضاییه.

2- «قاضی نمی‌تواند در امر فنی، به نظر خود اکتفا نموده و حکم صادر نماید»: (دادنامه‌ی شماره‌ی 258 مورخ 1380/5/18 صادره از شعبه‌ی 37 دیوان عالی کشور)؛ «اگر موضوع دعوی امر فنی بوده، و قرار رجوع به کارشناس به تشخیص دادگاه صدور یافته باشد، عدول دادگاه از قرار مزبور (به استناد عدول طرفین از این امر) صحیح نخواهد بود»: (دادنامه‌ی شماره‌ی 4369 مورخ 1319/12/29 صادره از شعبه‌ی سوم دیوان عالی کشور)؛ «رسیدگی به امور فنی از صلاحیت دادگاه خارج و نظر کارشناس در مواردی که خبرویت لازم است باید جلب گردد و عدم رعایت موجب نقض است»: (دادنامه‌ی شماره‌ی 18/977 صادره از دیوان عالی کشور)؛ «در صورتی که برای تشخیص امر فنی، خبرویت مخصوص لازم باشد، دادگاه بایستی به وسیله‌ی اهل فن و کارشناس اقدام کند نه به تصدی خود»: (دادنامه‌ی شماره‌ی 3135 مورخ 1319/9/30 صادره از شعبه‌ی سوم دیوان عالی کشور)

3- ر.ک.: کریم زاده، احمد؛ آراء دادگاه‌های عالی انتظامی قضات در امور کیفری؛ تهران، نشر میزان، چاپ اول، 1381، ص 30

4- ماده‌ی 44-124 لایحه جدید آیین دادرسی کیفری.

موجه باشد، بنابراین، کارشناس نمی‌تواند به طور کلی نظر بدهد و باید نظر خود را با مبانی علمی مربوط به موضوع توجیه نماید (شیخ‌نیا، 1375، ص 171) و نکات و توضیحاتی را که برای تبیین نظریه لازم است، به طور کامل در آن ذکر کند.¹ نظریه‌ی کارشناس، ارزش اماره‌ی قضایی دارد و تشخیص صحت یا سقم آن به نظر قاضی رسیدگی‌کننده است.²

تفاوت بارز میان شاهد و کارشناس در این است که شاهد تنها محسوسات خود را اعلام می‌دارد و استنتاج موضوعی از آن‌ها با دادگاه است، در حالی که کارشناس هر چند نمی‌تواند از کاوش‌ها، تحقیقات و تصدیقات خود، نتیجه‌ی حکمی و قانونی بگیرد، اما باید نتیجه‌گیری موضوعی نموده و آن را مستنداً اعلام نماید.³ عناصر نظر کارشناس باید منطبق با واقع و تمام ماوقع باشد؛ ضمانت اجرای این امر در، ماده‌ی 37 قانون کانون کارشناسان رسمی دادگستری مصوب 1381 آورده شده است.⁴ علاوه بر آن، «نقض قوانین و مقررات در اظهارنظر کارشناسی»، «انجام کارشناسی و اظهارنظر برخلاف واقع و تبانی» به موجب ماده‌ی 26 همین قانون تخلف انتظامی شمرده می‌شود.

با توجه به مواد قانونی مربوط به کارشناسی در حقوق ایران، معلوم می‌شود که کارشناسی از ادله‌ی مهم اثبات دعوا است. در عمل نیز در بسیاری از دعاوی، مسأله‌ی استناد و ارجاع به کارشناسی پیش می‌آید. دلیل این امر، همان‌گونه که گذشت، وجود

1- ماده‌ی 19 قانون کانون کارشناسان رسمی دادگستری مصوب 1381/1/18: «اظهارنظر کارشناسی باید مستدل و صریح باشد و کارشناسان رسمی مکلفند نکات و توضیحاتی که برای تبیین نظریه ضروری است و یا توسط شورای عالی کارشناسان مشخص می‌گردد به طور کامل در آن منعکس نمایند...»

2- نظریه‌ی 7/6466 مورخ 1378/9/13 اداره‌ی حقوقی قوه قضاییه؛ همچنین نظریه‌ی مشورتی شماره‌ی 7/932 مورخ 1378/3/16 این اداره بیان می‌کند: «نظر کارشناس یکی از ادله اثبات دعوی است مگر این که قاضی تشخیص دهد که منطبق با واقع نیست که آن موقع در صورت لزوم از کارشناسان دیگر استفاده خواهد کرد. بنابراین در صورتی که نظریه پزشکی قانونی، قاضی را اقناع نماید و مرجع رسیدگی آن نظریه را منطبق با واقع تشخیص دهد، بایستی مطابق آن عمل کند»

3- دادنامه‌ی شماره‌ی 3953 مورخ 1319/11/30 شعبه‌ی چهارم دیوان عالی کشور.

4- ماده‌ی 37 قانون کانون کارشناسان رسمی دادگستری مصوب 1381/1/18: «هرگاه کارشناس رسمی با سوءنیت ضمن اظهار عقیده در امر کارشناسی بر خلاف واقع چیزی بنویسد و یا در اظهار عقیده کتبی خود راجع به امر کیفری و یا حقوقی تمام ماوقع را ذکر نکند و یا بر خلاف واقع چیزی ذکر کرده باشد جاعل در اسناد رسمی محسوب می‌گردد...»

موضوعات فنی و تخصصی در دعاوی است که بررسی و اعلام نظر کارشناس را می‌طلبد؛ چرا که دادرس، متخصص در امور حکمی دعاوی است و در خصوص موضوعات فنی دعوی، تخصصی ندارد.

در قوانین و مقررات مربوط به کارشناسی، چگونگی ارجاع به کارشناس، شرایط کارشناسی و نظریه‌ی کارشناسی مشخص شده است.

برخی از این شرایط عبارتند از مورد وثوق بودن کارشناس، داشتن صلاحیت علمی و فنی لازم در خصوص موضوع ارجاع شده، صریح و موجه بودن نظر کارشناس و عدم مغایرت نظر کارشناسی با اوضاع و احوال محقق و معلوم مورد کارشناسی، اعتبار نظر کارشناس منوط به رعایت این شرایط است. با وجود این، در قانون، اعتبار نظر کارشناس مشروط به حصول علم برای دادرس نشده است. بنابراین، «از نظر حقوقی، کارشناسی دلیلی مستقل از علم قاضی است که مبنای اعتبار آن، علم قاضی نیست، بلکه قانون آن را به حصول شرایطی، معتبر شناخته است» (حسن‌زاده، 1386، ص 73)؛ به عبارت دیگر، لازم نیست نظر کارشناس موجب حصول علم برای قاضی شود، بلکه قانون‌گذار برای کارشناسی و نظر کارشناس شرایطی را مقرر کرده است که با حصول آن شرایط، نظر کارشناس معتبر است و دادرس مکلف به صدور رأی بر اساس آن است، مگر آن که عدم وجود آن شرایط را اثبات نماید. اما، در صورتی که مبنای رأی دادگاه، علم دادرس باشد، قاضی می‌تواند یکی از مستندات حصول علم خود را نظر کارشناس قرار دهد. (معاونت قضایی و حقوقی، 1385، ص 314)

4. جایگاه کارشناسی در دادرسی کیفری فرانسه

در قانون تحقیقات جنایی 1810 فرانسه، موضوع کارشناسی پیش‌بینی نشده بود؛ از فحوای دو ماده از مواد این قانون که در مورد عملیات پلیسی بود و به پلیس در بررسی مرگ‌های مشکوک اجازه‌ی توسل به کارشناس را می‌داد، توجه قانون‌گذار به موضوع کارشناسی استنباط می‌گردید. سکوت قانون تحقیقات جنایی درباره‌ی کارشناسی قضایی کاملاً معقول بود؛ زیرا، «در کارشناسی فرض بر این است که ما می‌توانیم به متخصص امری رجوع کنیم که دانش کافی و تخصص لازم را دارد، در حالی که در سال 1810 پایه‌های علمی و تعداد کارشناسان کافی نبود»

(Rassat, 2007, p:409) و تنها کارشناس موجود، پزشک بود. قضات نیز در سکوت قانون، کارشناسان را به عنوان شهود به دادگاه فرا می خواندند، اما امروزه در حقوق موضوعه‌ی فرانسه، کارشناس، شاهد محسوب نمی شود و نقش او مانند دادرسی نیست، بلکه متخصصی محسوب می شود که گزارش او ارزش اطلاعات ساده را دارد و دادگاه نتایج مورد نظر را از آن استنباط می کند.¹

مقررات قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه،² به افسر پلیس قضایی اجازه داده است در تحقیقات مربوط به جرایم مشهود، راساً و در تحقیقات ابتدایی، با اجازه‌ی دادستان شهرستان برای انجام معاینات و بررسی های فنی و تخصصی به اشخاص صالح رجوع نماید؛ مانند آن که، بازرسی امور مالیاتی را برای شرکت در تحقیقات دعوت نماید.³ هر مرجع تحقیق یا دادرسی نیز «در صورتی که مسأله‌ای فنی مطرح باشد، می تواند راساً یا به درخواست دادسرا یا اصحاب دعوا دستور به کارشناسی دهد».⁴

مأموریت کارشناس فقط بررسی موضوعات فنی و مسائل تخصصی است؛ وی باید مأموریت معینی را که مبتنی بر بی طرفی کامل است، عهده دار شود. (Falletti, 2001, p:147) مأموریت کارشناس به طور دقیق در تصمیم به کارشناسی تعیین می گردد؛ «دادرسی نمی تواند اختیاراتی که فقط در صلاحیت خود است را به کارشناس تفویض نماید» (Rassat, op.cit, p:86) کارشناس در مهلت معین، تحت نظر بازپرس یا دادرسی و در ارتباط با او، مأموریت خود را انجام داده و در پایان، نتیجه‌ی عملیات فنی را که به آن اقدام نموده است، ارائه می نماید.⁵

دادرسی که در حقیقت نوعی کارشناس ماهوی و حکمی است و با مساعدت یک متخصص که کارشناس شکلی و موضوعی است، (Pradel, 2007, p:445) اقدام می نماید، به منظور اقناع وجدانی خود، می تواند «راساً یا به درخواست دادسرا، اصحاب دعوا یا وکلای آن ها، هر پرسشی را در چارچوب مأموریت واگذار شده به کارشناس مطرح کند».⁶

1-Cass.crim., 17 janv.2006:Bull.crim.no19; cass.Ass.plèn., 19 oct.1984 , Dobbertin in Pradel, Jean et André varinard, (1994), les grands arrêts du droit criminel, le procès, la sanction , paris, Dalloz, Tome 2 , p.156.

2- Art.60 et 77-1 C.pr.pèn.

3- see: Cass.crim., 5 fèv.2002:Bull.crim.no 19.

4- Art.156 C.pr.pèn.

5- Art.166 et 168 c.pr.pèn.

6- Art.168 c.pr.pèn.

در حقوق فرانسه، کارشناسی به مثابه‌ی یک آورده‌ی واقعی و بی‌طرف در کشف حقیقت است؛ تکالیف کارشناس از اصول مهمی سرچشمه می‌گیرد. «مشروعیت تحصیل دلیل و اداره‌ی آن، واقع‌بینی و بی‌طرفی در تجزیه و تحلیل دلیل برای کسی که می‌خواهد به اجرای عدالت کمک کند، ضروری است» (فلتی، 1386، ص 36) کارشناس باید همواره این اصول را در ذهن خود حفظ کند و به خود یادآور شود که تجزیه و تحلیل آن‌ها در هر مورد، تابع معیارها و ضوابط اصحاب دعوا است. مقامات عمومی مکلفند بر جریان کارشناسی نظارت داشته باشند «تا همواره کارشناسی در چارچوب وحدت و یکپارچگی فرایند مدلل کردن و اثبات جریان یابد». (Falletti, op.cit, p:150)

بنابر یکی از اصول مهم دادرسی یعنی اصل مشروعیت تحصیل دلیل¹ با رعایت شرایط و ضوابط قانونی از سوی مقامات قضایی و کارشناسان در جریان عملیات کارشناسی، دلیل باید به گونه‌ای تحصیل شود که ضمن رعایت حقوق دفاعی، ارزش اثباتی و قضایی خود را در فرایند دادرسی کیفری حفظ کند. به همین دلیل در حقوق کیفری ایران و فرانسه، گزارش کارشناس در بیشتر موارد با حضور و همکاری اصحاب دعوا تهیه شده و برای آن‌ها حق اعتراض به این گزارش پیش‌بینی شده است. در دادرسی کیفری فرانسه به دنبال تصویب قانون پنجم مارس 2007، اصل حضوری و توافقی شدن کارشناسی تقویت گردید؛ به نحوی که تا پیش از این تاریخ، اشخاص از موضوع کارشناسی مطلع نمی‌شدند و مأموریت کارشناس به صورت محرمانه در دفتر دادگاه مشخص می‌گردید، ولی از این پس، بر اساس ماده‌ی 1-161 قانون آیین دادرسی کیفری «رونوشت تصمیم کارشناسی فوراً برای دادستان شهرستان و وکلای اصحاب دعوا فرستاده می‌شود؛ در آن‌ها می‌توانند یک مهلت ده روزه ... از بازپرس برای اصلاح یا تکمیل پرسش‌های مطرح شده از کارشناس یا الحاق یک کارشناس منتخب آن‌ها ... به کارشناس یا کارشناسان انتخابی درخواست کنند». این مقررات، احترام کامل به حقوق دفاعی است و تقویت اصل حضوری بودن دادرسی و در نتیجه نظارت بهتر بر رعایت اصل مشروعیت تحصیل دلیل را به همراه دارد. (Guéry, 2007, p:4)

1- ر.ک: تدین، عباس؛ تحصیل دلیل در آیین دادرسی کیفری؛ میزان، تهران، 1388، ص 63

5. ادله‌ی زیستی و بیوژنتیکی

امروزه در عرصه‌ی دادرسی‌های کیفری، با توجه به پیشرفت‌های شگفت‌آور علوم و فنون بشری، به ویژه در حیطه‌ی کشف علمی جرایم، تحولات و دگرگونی‌های بسیاری رخ داده است؛ به نحوی که کاربرد وسایل و امکانات علمی و آزمایشگاهی برای کشف حقیقت و جمع‌آوری ادله‌ی اثباتی به جای استفاده از روش‌های قدیمی متداول شده است. انریکو فری¹ به عنوان پایه‌گذار مکتب جامعه‌شناسی جنایی² معتقد بود در آینده به تدریج نظام ادله‌ی معنوی جای خود را به نظام ادله‌ی علمی خواهد داد.³ در این نظام، تجربیات علمی از قبیل ادله‌ی فیزیکی، شیمیایی، مکانیکی، ادله‌ی حاصل از مطالعات انسان‌شناسی، روان‌شناسی، روان‌کاوی، جرم‌شناسی و سایر علوم انسانی و آزمایشگاهی، مبنای طرق اثبات کیفری خواهد بود و به کمک آن‌ها به دقت مجرمان شناسایی خواهند شد و در نتیجه بزهداری در جامعه کاهش خواهد یافت.⁴

قانون‌گذار در امور کیفری، میان ادله، سلسله‌مراتبی ترسیم نموده است، شیوه‌های علمی به ویژه، ادله‌ی زیستی و ژنتیکی، از لحاظ اقناع‌آوری دارای جایگاه ویژه‌ای هستند؛ چرا که «این شیوه‌ها، دستیابی به حقیقت و کاهش اشتباهات قضایی را تا حد بسیار بالایی تضمین می‌کند. مراجعه به آمار و ارقام در سیستم کیفری نشان می‌دهد که بسیاری از محکومان به مجازات اعدام یا حبس ابد، با توسل به شیوه‌های علمی و آزمایشات زیستی و ژنتیکی تبرئه شده‌اند» (Matsopoulou, 2004, p: 142) هر چند که در هر حال، رعایت کرامت انسان‌ها و احترام به حریم خصوصی آن‌ها باید همواره مورد توجه قرار گیرد.

در اواخر قرن نوزدهم، فرانسیس گالتون⁵ دانشمند انگلیسی، انگشت‌نگاری را به عنوان شناسه‌ای منحصر به فرد معرفی نمود،⁶ پس از آن بود که با به‌کارگیری انگشت‌نگاری در کشف و اثبات جرایم، شناسایی و دستگیری مجرمان شتاب بیشتری

1- Enrico Ferri (1856-1929).

2- ر.ک: نجفی ابرندآبادی، علی حسین؛ مباحثی در علوم جنایی؛ تهران، سمت، 1385، ص 1800
 3- ر.ک: طاهری بجد، محمد علی؛ «تعیین رژیم دلایل کیفری در نظام قضایی ایرانی»؛ علوم جنایی (مجموعه مقالات در تجلیل از استاد دکتر محمد آشوری)، تهران، سمت، 1383، ص 312
 4- ر.ک: هدایتی، محمدعلی؛ آیین دادرسی کیفری؛ چاپخانه دانشگاه تهران، 1332، ص 61

5- Francis Galton.

6- ر.ک: نجابتی، مهدی؛ پلیس علمی (کشف علمی جرایم)، تهران، انتشارات سمت، چاپ دوم، 1381، ص 45

گرفت، با وجود این، برخی معایب این روش دانشمندان را بر آن داشت تا به دنبال یک شناسه‌ی درونی و بدنی باشند. «از مهم‌ترین معایب این روش، این بود که در بسیاری از موارد، مجرمان از خود اثر انگشتی در صحنه‌ی جرم بر جای نمی‌گذاشتند» (ریچارد، 1378، ص 70).

سالیان متمادی جرم‌شناسان در جست‌وجوی شناسه‌ای مطمئن‌تر برای شناسایی مجرمان بودند. ایشان «در اواخر دهه‌ی شصت به شناسه‌ای جدید دست یافتند که پروتئین حاصل شده از سرم خون بود» (صمدی مله، 1384، ص 47). در این روش، لکه‌های خون به جا مانده در صحنه‌ی جرم جمع‌آوری شده و با انجام آزمایش‌هایی، پروتئینی به دست می‌آید که برای شناسایی مجرمان به کار می‌رفت. این روش نیز نتوانست، جرم‌شناسان را اقناع کند؛ چرا که «در بسیاری از موارد لکه‌ی خونی در صحنه جرم به جای نمی‌ماند یا این که نمونه به جای مانده، فاسد و غیرقابل استفاده بود» (همان، ص 47). اندکی بعد، در سال 1985 میلادی، شناسه‌ای به نام «دی ان ای»¹ وارد عرصه‌ی کشف علمی جرایم شد که انقلابی در علم جرم‌شناسی پدید آورد. «دی ان ای» در ابتدای امر تنها در مرحله‌ی تحقیقات و کشف جرم مورد استفاده قرار می‌گرفت، اما به تدریج راه خود را به دادگاه‌ها و مراحل دادرسی باز نمود و به تحولی شگرف در سیستم قضایی کشورها منجر شد. در حال حاضر، بیشترین احکامی که براساس این نوع دلیل صادر می‌شود، مربوط به جرایم جنسی و جرایم خشونت‌آمیز است که علت آن به ماهیت این گونه جرایم برمی‌گردد؛ از آن جاکه قربانیان این جرایم، برای مدت نسبتاً قابل توجهی در معرض تماس فیزیکی با بزه‌کار بوده و از خود مقاومت نشان می‌دهند، نمونه‌های به جای مانده در صحنه‌ی جرم یا قربانی، بیش از دیگر جرایم است. (Bouloc, 2004, p:50)

1-5. ادله‌ی بیوژنتیکی در دادرسی کیفری ایران

در ایران، دلیل «دی ان ای» مانند کشورهای چون فرانسه مورد استفاده‌ی

1- دی ان ای (DNA) یا اسید دزواکسی ریبونوکلئیک (Deoxy-ribo-nucleic-acid) از دو رشته‌ی مارپیچ مانند که ساختار ژنتیکی انسان را تشکیل می‌دهند، ساخته شده است. این طرح‌ها یا نقشه‌های زیستی از طریق ژن‌ها از والدین به فرزندان منتقل می‌شوند. دی ان ای در تمام سلول‌های بدن وجود داشته و جزئی از ذات سلول به شمار می‌رود.

وسیع در کشف جرم قرار نمی‌گیرد، هر چند در این راستا، اقداماتی مانند ایجاد بخش «دی ان ای» در پزشکی قانونی، در سال 1374 صورت گرفته و این در خور توجه است. ایجاد چنین نهادی در پزشکی قانونی، سبب سرعت و دقت بیشتر در پرونده‌های ارجاعی از سوی دادگاه گردید و از آنجا که آزمایش «دی ان ای» از درصد اطمینان بالایی برخوردار است، توانسته است با ارائه‌ی پاسخ قطعی و اطمینان آور به قضات، برای آنان اقلان وجدانی و علم یقینی ایجاد نماید. در کشورهای پیشرفته، «دی ان ای» به عنوان دلیل یقینی و قطعی پذیرفته شده و به تنهایی مستند حکم قرار می‌گیرد. (Guinchard, 2007, p: 515) در دادگاه‌های ایران، دلیل «دی ان ای» به تنهایی و صریحاً مستند حکم قرار نمی‌گیرد، اما از راه‌های مؤثر در ایجاد علم دادرس به شمار می‌رود. براساس ماده‌ی 105 قانون مجازات اسلامی، قاضی می‌تواند برای اثبات کلیه جرایم به علم خود که از طرق متعارف یا علمی کسب شده، استناد نموده و براساس آن حکم صادر نماید. همچنین به موجب مواد 83 تا 88 قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری، قاضی می‌تواند برای رسیدن به علم، موضوع را جهت آزمایش‌های علمی از جمله تست «دی ان ای» به پزشکی قانونی ارجاع دهد. به هر حال هر چند در حقوق ایران، دلیل «دی ان ای» مستند صریح حکم دادگاه‌ها قرار نمی‌گیرد، از راه‌های مهم سکون نفس دادرس محسوب می‌شود و ارزش این دلیل نوپا تا جایی است که می‌تواند ادله‌ی سنتی را از درجه‌ی اعتبار ساقط نماید. (مؤذن‌زادگان، 1383، ص 153)

استفاده از شیوه‌هایی که امکان دستیابی به ادله‌ی زیستی و بیوژنتیک مانند آزمایش خون و «دی ان ای» را فراهم می‌آورد، در فرایند دادرسی‌های کیفری و حقوقی ایران چندان شناخته نشده و کاربردهای محدودی برای آن در نظر گرفته شده است. از نامه‌ی شماره‌ی 1/7/1137 مورخ 1380/7/11 سازمان پزشکی قانونی کشور در مورد امکانات آن سازمان در کاربرد آزمایش «دی ان ای» و چگونگی استفاده‌ی دادرسان از این روش علمی، نکات چندی قابل استنباط است:

نخست این که، امکانات سازمان پزشکی قانونی کشور در خصوص آزمایش «دی ان ای» و کاربرد آن در مسائل قضایی، در راستای کمک به تشخیص هویت افراد یا اجزای به جا مانده از بدن انسان در صحنه‌های جرم است. بیشترین

فعالیت در این خصوص، تعیین هویت والدین و فرزندان، تعیین هویت والدین ادعایی و اثبات وجود رابطه‌ی ابوت، تعیین و تشخیص هویت فردی و اثبات و یارد رابطه‌ی خویشاوندی با اشخاص دیگر، شناسایی مجرم از روی آثار و مواد به جا مانده از وی در صحنه‌ی جرم، کمک به شناسایی و تشخیص هویت افراد در مواقعی که اجساد منته شده و یا بقایایی از جسد در مکان‌های متفاوت یافت می‌شود و تعیین جنسیت اجساد غیر قابل تشخیص و جنین‌های سقط شده و لکه‌های یافت شده در صحنه‌ی جرم است. دوم این که، نخستین مرحله در آزمایش «دی ان ای»، نمونه‌گیری است که به دلیل حساسیت و اهمیت زیاد و به منظور بالا بردن کیفیت نمونه‌های اخذ شده و جلوگیری از سوء استفاده‌های احتمالی در روند نمونه‌گیری، اخذ نمونه افراد به صورت سرپایی و حضوری صورت می‌گیرد و تنها در مورد اجساد، نمونه‌ی مناسب در شرایط خاص، تحت نظر پزشکی قانونی اخذ و در اسرع وقت به آزمایشگاه تحویل می‌شود.

در خصوص انگشت‌نگاری نیز بر اساس ماده‌ی 1 «آیین‌نامه اجرایی تبصره ذیل ماده واحده لغو قانون انگشت‌نگاری عمومی مصوب 1368/3/7 مجلس شورای اسلامی» مصوب 1368/5/7 هیأت وزیران، در شش مورد، اقدام به انگشت‌نگاری می‌شود که مهم‌ترین آن‌ها در مورد افراد متقاضی گواهی عدم سوء پیشینه با معرفی مراجع دولتی مربوط است. همچنین کسانی که به دستور مقامات قضایی، حبس می‌شوند، افرادی که به مجازات‌هایی غیر از حبس مانند شلاق محکوم می‌شوند و متهمان و مظنونان مراجع قضایی و انتظامی برای نگهداری سوابق کیفری، بررسی هویت واقعی و سوابق سوء احتمالی‌شان، موضوع انگشت‌نگاری قرار می‌گیرند.¹

2-5. ادله‌ی بیوژنتیکی و حریم خصوصی اشخاص در دادرسی

کیفری ایران

در حقوق کیفری ایران، مقررات خاصی در مورد رعایت حریم خصوصی اشخاص به ویژه حریم خصوصی جسمانی آن‌ها دیده نمی‌شود و فقط از فحواوی برخی اصول قانون اساسی و بندهای ماده واحده‌ی قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی، می‌توان بر احترام به حریم خصوصی اشخاص صحه گذاشت. در فصل

1- ر.ک.: نجابتی، مهدی؛ پیشین، ص 73.

دوم لایحه‌ی حمایت از حریم خصوصی که تاکنون جنبه‌ی قانونی نیافته است، بر رعایت حریم خصوصی جسمانی اشخاص تأکید شده و «کرامت انسانی و حقوق و آزادی‌های ملازم با آن» مصون از تعرض دانسته شده است.^۱ تفتیش اندام‌های داخلی انسان ممنوع قلمداد گردیده و «مرجع صالح قضایی تنها در صورتی مجاز به صدور قرار معاینه‌ی اندام‌های داخلی افراد می‌باشد که ظن قوی وجود داشته باشد که نتیجه این معاینه می‌تواند به اثبات جرم ... کمک نماید».^۲

تفتیش اندام‌های داخلی انسان باید با استفاده از رویه‌های مقبول پزشکی توسط پزشک متخصص و تا حد امکان توسط متخصصان امور پزشکی صورت گیرد و فقط در صورتی می‌توان از آن استفاده کرد که به‌کارگیری روش قانونی دیگری امکان‌پذیر یا مؤثر نباشد. اخذ خون از افراد نیز برای تحصیل دلیل اثبات جرم، تابع احکام تفتیش اندام‌های داخلی است.^۳ ماده‌ی ۱۲ این لایحه مقرر می‌دارد «چنان‌چه مظنون یا متهم در برابر تفتیش اندام‌های داخلی مقاومت کند، ضابطان دادگستری می‌توانند تنها تا حدی که به طور متعارف ضرورت داشته ... اقدامات لازم برای خنثی کردن مقاومت او به عمل آورند».

به هر حال در فرایند دادرسی کیفری ایران، اخذ نمونه‌ی خون یا مایعات دیگر به منظور انجام آزمایشات و تست‌های بیولوژیک و زیستی مختلف نیاز به رضایت ذی‌نفع ندارد و حتی جرایمی که می‌توانند توسل به نمونه‌گیری‌های «دی ان ای» و آزمایش خون را توجیه نمایند، مشخص نشده‌اند و همین امر می‌تواند برخلاف اصل احترام به حقوق خصوصی اشخاص قلمداد گردیده و مشروعیت تحصیل ادله را مخدوش کند. در مورد بررسی اجسام خارجی در بدن افراد نیز وضعیت همین‌گونه است. در جریان تحقیقات، گاه بررسی اجسام خارجی موجود در بدن بزه‌دیده یا مرتکب جرم می‌تواند در کشف حقیقت مفید باشد، پرسش این است که آیا اقدام به تفتیش و بازرسی اندام‌های داخلی اشخاص امکان‌پذیر است؟

در مواردی که بزه‌دیده فوت نموده باشد و یا بزه‌دیده و مرتکب جرم با چنین تفتیشی موافقت نکنند، این اقدامات مشروع خواهد بود و ادله‌ی تحصیلی از روشی

۱- ماده‌ی ۳ لایحه‌ی حمایت از حریم خصوصی

۲- ماده‌ی ۹ همان لایحه.

۳- تبصره‌ی ۲ ماده‌ی ۹ همان لایحه.

قانونی و قابل قبول به دست می‌آید، اما اگر اشخاص، انجام عملیات تفتیش و بازرسی بدن خود را نپذیرند، اصولاً «قابل پذیرش نیست که دادرس بتواند اصل احترام به جسم و اراده افراد را نقض کند و در فقد قانون، راساً بدون مجوز قانونی دخالت نماید» (Pradel, 2007, p:439)

در حال حاضر، در حقوق کیفری ایران، قانون خاصی در این زمینه وجود ندارد و در سکوت قانون‌گذار، برخی مراجع تعقیب در مواردی مانند کشف و ضبط مواد مخدر یا شرب خمر و اعتیاد، دستور بازرسی اشخاص و آزمایش خون در متهمان و مظنونان را صادر می‌نمایند.¹

3-5. ادله‌ی بیوژنتیکی در دادرسی کیفری فرانسه

در حقوق کیفری فرانسه، در مورد افراد مظنون به حمل مواد مخدر در داخل بدن خود، مسؤلان گمرک می‌توانند هنگام عبور این اشخاص از مرز، با موافقت آنان، بررسی‌های پزشکی را انجام دهند، ولی هیچ‌گونه تدبیر و اقدام الزام‌کننده‌ای نمی‌تواند به کار گرفته شود،² در عمل نیز با تحت نظر قرار دادن اشخاص، موضوع حل می‌شود.

در مورد نمونه‌گیری از خون و هوای بازدم اشخاص مظنون به شرب مشروبات الکلی یا مصرف مواد مخدر نیز قانون‌گذار فرانسوی، برای کسانی که این نمونه‌گیری را نپذیرند، مجازات کیفری در نظر گرفته است، اما «در قانون به علت احترام به حقوق و آزادی‌های اشخاص، اجبار فیزیکی تجویز نشده است» (Ibid, p:439) بر اساس ماده‌ی 4-234 قانون جاده، هنگامی که آزمایش میزان الکل در هوای بازدم، اجازه‌ی اثبات وجود الکل را می‌دهد یا هنگامی که اشخاص مظنون، این آزمایش را نمی‌پذیرند، می‌توان با تجزیه و تحلیل هوای بازدم یا از طریق تجزیه و تحلیل و بررسی پزشکی، آزمایشگاهی و زیستی نمونه‌ای از خون، به بررسی موضوع پرداخت. عدم پذیرش این بررسی‌ها توسط راننده، دارای مجازات رانندگی در حالت مستی با الکل (تا دو سال حبس و تا چهل و پنج هزار یورو جزای نقدی) است.³ بر اساس مواد 2 و 1-3354 قانون مأكولات و مشروبات، هنگام کشف جنایت یا جنحه یا تصادف رانندگی که به نظر

1- ر.ک: جعفری، عباس؛ بررسی حق حریم خصوصی؛ ماهنامه‌ی تعالی حقوق، سال اول، شماره‌ی 2، 1385، ص

2- cass.crim., 30juin1999; Bull.crim.no169

3- Art.L.23-8, I, c.route.

می‌رسد تحت تأثیر مصرف الکل صورت گرفته است، پلیس مکلف است به بررسی‌های پزشکی، آزمایشگاهی و زیستی مذکور در ماده‌ی 4-234 قانون جاده بر روی اشخاص مرتکب اقدام نماید. عدم پذیرش این بررسی‌ها، تا یک سال حبس و چهل و پنج هزار یورو جزای نقدی به دنبال خواهد داشت.¹

در ماده‌ی 1-235 قانون جاده، وضعیت اشخاصی که تحت تأثیر مواد مخدر اقدام به رانندگی می‌کنند، مطرح شده است. هرگاه تصادف رانندگی منجر به فوت، رخ داده باشد، پلیس باید به بررسی پزشکی تام رانندگانی که در این تصادف دخالت داشته‌اند، بپردازد و هنگامی که جواب این بررسی‌ها مثبت باشد، یا انجام این آزمایش مقدر نباشد یا رانندگان این بررسی‌ها را نپذیرند، پلیس برای اثبات مصرف مواد مخدر به تجزیه و تحلیل و بررسی‌های «پزشکی، آزمایشگاهی و زیستی» روی می‌آورد. در تصادف رانندگی منجر به جرح، انجام این اقدامات اختیاری است. به هر حال عدم تبعیت از این تدابیر، تا دو سال حبس و تا چهل و پنج هزار یورو جزای نقدی در پی دارد.²

افسران پلیس قضایی می‌توانند در جریان تحقیق، بر روی اشخاصی که یک یا چند دلیل موجه برای دخالت آن‌ها در ارتکاب جرم وجود دارد، اقدام به عملیات نمونه‌گیری خارجی نمایند. این نمونه‌گیری‌ها امکان مقایسه با آثار و قراین تهیه شده برای ضرورت‌های تحقیقاتی را می‌دهد.³ این مأموران همچنین می‌توانند به فهرست‌برداری آثار و علائم به ویژه آثار انگشتان، کف دست یا عکس‌برداری اقدام کنند. این تدابیر با رضایت ذی‌نفع صورت می‌پذیرد و عدم رضایت او موجب محکومیت وی به مجازات تا یک سال حبس است. اخذ آثار انگشت و عکس‌برداری می‌تواند در فرایند بررسی هویت اشخاص نیز صورت پذیرد.⁴

در کشور فرانسه تا مدت‌ها برای تحصیل دلیل از طریق «دی ان ای» (M.ledouarin, 2004, p:29) قانونی وجود نداشت، تا اینکه قانون هفدهم ژوئن 1998 درباره‌ی جرایم دارای ماهیت جنسی و حمایت از اطفال بزه‌دیده وضع شد. این موضوع برای نخستین بار در ماده‌ی 54-706 قانون آیین دادرسی کیفری (اوراق ملی

1- Art.L.3354-2 C.dèb.boissons.

2- Art.L.235-1, al.4 c.route.

3- Art.55-1 et 76-2 c.pr.pèn.

4- Art.78-3 et 78-5 c.pr.pèn.

خودکار آثار ژنتیکی) که توسط بخشنامه‌ی چهاردهم دسامبر 1998 و آیین‌نامه‌ی اجرایی آن در تاریخ هجدهم می 2000، راجع به اوراق آثار ژنتیکی و واحد مرکزی نگهداری نمونه‌های زیستی تکمیل شده است، مطرح شد. رویه‌ی قضایی نیز بر پذیرش این نوع دلیل صحه گذاشت.¹

بر اساس بند نخست ماده‌ی 54-706 قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه «اوراق ملی خودکار آثار ژنتیکی که تحت نظارت یک قاضی قرار دارد، به تمرکز بر روی آثار ژنتیکی ناشی از علائم زیستی و آثار ژنتیکی اشخاص محکوم برای یکی از جرایم مذکور در ماده‌ی 55-706 به منظور تسهیل شناسایی هویت و تعقیب مرتکبان این جرایم، اختصاص دارد».

بنابراین، اوراق آثار ژنتیکی، آثار «دی ان ای» برداشت شده از محل وقوع جرمی که مرتکب آن ناشناخته است، و آثار ژنتیکی اشخاص دارای محکومیت قطعی به یکی از جرایم مذکور در ماده‌ی 55-706 این قانون مشتمل است. این اوراق تحت نظارت قاضی و در عمل تحت نظارت دادستان استان پاریس قرار می‌گیرد (Guinchard, 2007, p:425) به طور خلاصه، اوراق آثار ژنتیکی در مورد مرتکبان جرایم جنسی، جنایات علیه بشریت و جنایات و جنحه‌ها یا صدمات عمدی به حیات اشخاص، شکنجه و اعمال وحشیانه، خشونت عمدی، قاچاق مواد مخدر، تجارت انسان، روسپیگری، سوءاستفاده برای تکدی‌گری و در خطر قرار دادن اطفال، سرقت، اخاذی، کلاهبرداری، تخریب، لطمه به منافع اساسی ملت، اعمال تروریستی، تقلب در مسکوکات و جرایم اختفاء یا تطهیر عایدات حاصل از جرم تهیه می‌شود.²

این پرسش مطرح می‌شود که آیا برای آن که تحصیل دلیل مشروع و قانونی باشد ذی‌نفع باید به نمونه‌گیری با هدف تحصیل «دی ان ای» رضایت دهد؟ تا پس از تصویب قانون سال 1998، برخی مراجع قضایی، رضایت ذی‌نفع را ضروری می‌دانستند.³ در حال حاضر می‌توان به سه دلیل ذی‌نفع را به تبعیت از این تدبیر الزام نمود:

نخست آن که، بر اساس ماده‌ی 11-16 قانون مدنی که شیوه‌ی شناسایی

1- Cass.crim., 25 juin 2001 : Bull . crim.no 157; cass.crim., 20 nov.2002: Bull. crim.no 47.

2- Art.706-55 C.pr.pèn.

3- Rennes, 14 août 1997, D., 1998

هویت اشخاص توسط آثار ژنتیکی را پیش‌بینی کرده است، در موضوعات مدنی به ویژه نسب، رضایت ذی‌نفع باید از قبل و به صراحت تحصیل شود، اما در موضوعات کیفری چنین اقتضایی وجود ندارد و لذا می‌توان استنباط کرد که رضایت ذی‌نفع ضروری نیست (pradel, op.cit, p:443) دوم این‌که، شورای قانون اساسی در تصمیم خود معروف به «اخلاق زیستی» در بیست و هفتم ژوئیه 1994 نگفته است که تمامیت جسمانی اشخاص ارزش قانون اساسی دارد و مطلقاً غیر قابل تعرض است؛¹ و سوم این‌که، در برابر ضرورت مهم جست‌وجوی حقیقت در پرونده‌های مهم به کمک «دی ان ای»، اخذ قسمتی از مو یا آب دهان اشخاص نمی‌تواند صدمه‌ی چندانی به حقوق بشر وارد آورد و نقض حقوق فردی اشخاص قلمداد گردد. (Table, 2007, p:3)

رویه‌ی قضایی اروپا نیز در موارد ضروری الزام شخص را می‌پذیرد. تصمیم کمیسیون قدیمی اروپایی حقوق بشر در سیزدهم دسامبر 1979 یادآور می‌شود که همین مداخله‌ی الزام‌آور برای اخذ نمونه‌های جسمانی، در یک جامعه‌ی مردم‌سالار، توسط قانون ضروری شناخته شد و این امر با هدف مورد جست‌وجو، متناسب باشد، توجیه شود.² اخیراً نیز بر اساس آراء دیوان اروپایی حقوق بشر، حق سکوت به شیوه‌های الزامی مانند نمونه‌گیری از خون یا بافت بدن برای تجزیه و تحلیل تسری نمی‌یابد. (Sudre, 2007, p:291)

در مورد عدم تبعیت اشخاص از نمونه‌گیری‌های ضروری، در کشورهای مختلف، سه رویه‌ی متفاوت وجود دارد: در برخی کشورها، عدم پذیرش این تدابیر دارای مجازات حبس یا جزای نقدی است؛ برخی دیگر، به دادرسان اجازه داده‌اند تا با توجه به ادله‌ی جرم، نتایج چندی را از این عدم پذیرش احتمالی استنباط نمایند؛ گروهی دیگر از کشورها نیز، توسل به اجبار و الزام نمونه‌گیری را پذیرفته‌اند. (Matsopoulou, op.cit, p:144)

از ماده‌ی 56-706 قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه، نکات چندی استنباط می‌شود:

نخست آن‌که، هرگاه موضوع نمونه‌گیری، شخص متهم به جنایت یا جناحه با حداقل ده سال حبس باشد، نمونه‌گیری می‌تواند بدون رضایت ذی‌نفع انجام شود؛

1- C.const., 27 juillet 1994.

2- Comm. E.D.H., 13 dec . 1979, no 8378/78.

بنابراین، مفهوم این مقرره‌ی قانونی، جواز توسل به اقدامات قهری است؛ دوم آن که، در حالات دیگر، عدم پذیرش نمونه‌گیری‌های زیستی، تا یک سال حبس و تا پانزده هزار یورو جزای نقدی به دنبال دارد، در این موارد مسؤولان تحقیق نمی‌توانند به اقدامات اجباری متوسل شوند؛ سوم آن که، انجام یا شروع به انجام مانورهایی برای جایگزین کردن نمونه‌ی مواد زیستی شخص ثالث به جای نمونه‌ی مواد زیستی مختص به خود، مستوجب محکومیت به تحمل حبس یا پرداخت چهل و پنج هزار یورو جزای نقدی است.

6. برآمد

تحول علوم در زمینه‌های مختلف موجب شده است در کشف بسیاری از جرایم و اثبات آن‌ها، دادرسی در پرتو نظرات اشخاص خبره و کارشناس گام بردارد و تا آنجا که مستند علم اهل فن از طریق استنتاجات عقلی و سایر مدارک و شواهد موجود به دست آمده و با اوضاع و احوال محقق و معلوم مورد کارشناسی مطابقت داشته باشد، از آن تبعیت نماید. کارشناسی از ادله‌ی مهم اثبات محسوب می‌گردد و در عمل در بسیاری از دعاوی، مسأله‌ی استناد و ارجاع به کارشناسی مطرح می‌شود. دلیل این امر، وجود موضوعات فنی و تخصصی است که بررسی و اعلام نظر متخصص امر را می‌طلبد؛ زیرا، قاضی، در امور حکمی دعاوی خبره است و در مورد موضوعات فنی دعوا، تخصصی ندارد. کارشناسی، اماره‌ی قضایی است که تشخیص صحت یا عدم صحت آن با قضای است، اما، لازم نیست موجب علم دادرسی شود؛ زیرا، قانون‌گذار برای کارشناسی و نظر کارشناس شرایطی را مقرر کرده است که با حصول آن‌ها، نظر کارشناس معتبر خواهد بود.

امروزه در عرصه‌ی دادرسی‌های کیفری با توجه به پیشرفت‌های شگفت‌آور علوم و فنون بشری، به ویژه در حیطه‌ی کشف علمی جرایم، کاربرد وسایل و امکانات علمی و آزمایشگاهی برای کشف حقیقت و جمع‌آوری ادله‌ی اثباتی به جای استفاده از روش‌های قدیمی متداول شده است. استفاده از ادله‌ی زیستی و ژنتیکی در فرایند دادرسی کیفری ایران و فرانسه در راستای این پیشرفت‌ها و تحولات بوده است که اعتبار و صحت آن‌ها نیز از قواعد حاکم بر کارشناسی تبعیت می‌نماید.

فهرست منابع

- 1- حسن زاده، مهدی؛ «کارشناسی دلیلی مستقل از علم قاضی»؛ مجله‌ی فقه و حقوق، سال سوم، شماره‌ی 12، 1386.
- 2- ریچارد، سافر اشتاین؛ کشف علمی جرایم؛ مترجم: معاونت آموزش ناجا، تهران، انتشارات معاونت آموزش ناجا، 1378.
- 3- شیخ نیا، امیرحسین؛ ادله اثبات دعوا؛ تهران، شرکت سهامی انتشار، چاپ سوم، 1375.
- 4- صمدی مله، سعید؛ «ظهور دی ان ای تحولی شگرف در سیستم قضایی دنیا»؛ ماهنامه‌ی دادرسی، سال نهم، شماره‌ی 49، 1384.
- 5- فلتی، فرانسوا؛ «نقش کارشناسی در تحقیقات و فرایند کیفری»؛ مترجم: عباس تدین، ماهنامه‌ی تعالی حقوق، سال دوم، شماره‌ی 15، 1386.
- 6- معاونت قضایی و حقوقی؛ مجموعه نشست‌های قضایی (آیین دادرسی کیفری)؛ اداره کل حقوقی، جلد اول، انتشارات فکر سازان، چاپ اول، 1385.
- 7- مودن زادگان، حسنعلی؛ عظیمی فر، بابک؛ «بیواتیک»؛ مجموعه‌ی مقالات، تهران، انتشارات سمت، چاپ اول، 1383.
- 8- Bouloc, Bernard, "la preuve en matière pénale ", dans la preuve ,Catherine puigelier (dir) , paris, Economica, 2004.
- 9- Delmas-Marty, Mireille, **procédures pénales d'Europe**, 1ère édition, paris, Puf, 1995.
- 10- Falletti, François, "l'apport de la police scientifique dans l'enquête et le procès pénale" , Revue internationale de criminologie et police technique et scientifique , no 2, 2001.
- 11- Guéry, Christian, "la loi du mars 2007 et l'instruction préparatoire", paris, Danoz, 2007.
- 12- Guinchard, Serge et Buisson, Jacques, **procédure pénale**, 5ème édition paris, Lexis Nexis Litec, 2007.

13- Matsopoulou , Haritini , "**Modalités de la preuve et transformations dans le recueil et l'administration de la preuve**", archives de politique criminelle , paris , Éditions A.pedone, 2004.

14- Merle, Roger et vitu, Andrè **Traité de droit criminel** ,5ème édition, paris,Cujas , 2001.

15- M.le douarin, Nicole, "**la preuve scientifique des empreintes digitales aux empreintes génétiques :un siècle de découvertes en Biologie**" dans "la preuve",C.puigelier (dir), paris, Economica, 2004.

16- Rassat, Michèle-Laure, **procédure pénale**, 15 ème édition ,paris, Puf., 2007.

17- Pradel, Jean, **Manuel de procédure pénale**,13 ème édition, paris cujas, 2007, p.445.

18- Table, Pierre,"**ADNet preuve pénale**", collège Interarmès de défense,10ème promotion, la tribune no 28, 2007.

19- Sudre, Frédéric, Jean-pierre Marguènaud, Joël Andriant simbazovina, Adeline Gouttenoire, Michel levinet, **les grands arrêts de la cour**, europenne deo droit de l home, paris, PUF, 2007.

20- Vergès, Étienne, **procédure pénale** ,1 ère édition, paris, Lexis Nexis, Litec, , 2007.